
بخش اول
یکسان سازی ارزش ریال ایران
و آثار آن بر اقتصاد کشور



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چشم انداز اقتصاد کلان در سال ۱۳۸۱

تحلیلی بر سیاست تک

نرخ ارز

دکتر کاظم باوری^۱
(عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس)

چکیده

مقاله «چشم انداز اقتصاد کلان در سال ۱۳۸۱: تحلیلی بر سیاست تک نرخ ارز» آثار گزینش نرخ یکسان برای ارزش ریال را بر متغیرهای کلان اقتصادی در سال ۱۳۸۱ نشان می‌دهد. در این مقاله نشان داده شده است که به دلیل همراه نشدن سیاست یکسان سازی با سیاست‌های برقرار کننده انضباط پولی و بودجه‌ای، روند حرکت اقتصادی کشور به سوی رکود نسبی (در بخش‌های تجاری، به ویژه صادرات غیر نفتی و رونق بخش‌های غیر تجاری، به ویژه بخش مسکن) خواهد بود. در نهایت، نرخ تورم برخاسته از سیاست یکسان سازی رقم چشمگیری می‌شود که آثار خود را بر اقتصاد ملی بر جای خواهد گذاشت. در این مقاله نشان داده شده است که فقدان سیاست‌های اصلاح ساختار شرکت‌های دولتی به عنوان عامل بازدارنده‌ای در راه تحقق سیاست‌های یکسان سازی ارزش ریال، عمل می‌کند. در این مقاله، تورمی برابر ۴۵/۱ درصد برای سال ۱۳۸۱ پیش‌بینی شده است.

مقدمه

شواهد، حاکی از آن است که سیاست تک نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ به اجرا درخواهد آمد و کلیه ارقام بودجه دولت - در مواردی که مبتنی بر ملاحظه نرخ ارز است - با نرخ ارز واحد محاسبه خواهد شد. در حال حاضر، تنها آمار و اطلاعاتی که در رابطه با تصویر کلان اقتصادی سال ۱۳۸۱ موجود است، مربوط به ارقام بودجه و نرخ ارز و درآمدهای ارزی دولت است. ارزیابی تأثیرات کوتاه مدت سیاست تک نرخ ارز بر متغیرهای کلان (به ویژه تورم و نرخ ارز بازار آزاد و صادرات غیر نفتی) مستلزم داشتن اطلاعات و آمار پولی اقتصاد نیز هست. در این مقاله، سیاست تک نرخ ارز را از چند زاویه مورد بحث

۱. از آقایان دکتر مسعود درخشان، دکتر مرتضی افقه و سیدحسین مصطفوی که این مقاله را به دقت مطالعه و اصلاحاتی را مطرح نمودند سپاسگزارم. مسئولیت تمام مطالب ارائه شده با اینجانب است. این مقاله در تاریخ ۸۰/۱۲/۱ تهیه شده است.

مقدمه

از سال‌های دهه ۱۳۷۰ تا زمان حاضر، تلاش برای یکسان‌سازی ارزش ریال ایران در برابر پول‌های خارجی به عنوان یکی از محورهای اصلی بحث در بین قانونگذاران و مجریان کشور مطرح بوده است. اگر چه جمع‌کنندگی از محققان و مجریان کشور ورود به عرصه کشور مطرح بوده است.

اگر چه جمع‌کنندگی از محققان و مجریان کشور ورود به عرصه چندگانگی ارزش ریال را امری اجتناب‌ناپذیر و یک مشخصه و ضمیمه تاریخی اقتصاد کشور دانسته‌اند، گریز از این مسیر از جنبه‌های مختلف باعث مشغله ذهنی دست‌اندرکاران بوده است. آثار منفی احتمالی برخاسته از نرخ یکسان، نرخ محوری برابری ریال ایران به پول‌های خارجی و ایجاد ثبات در اقتصاد ملی در پی یکسان‌سازی ارزش پول ملی، از جمله موضوع‌هایی است که نگرانی گسترده‌ای را ایجاد کرده است. در هر صورت، تجربه ناموفق سال ۱۳۷۲ هم همیشه به عنوان یک عامل مؤثر در تصمیم‌گیری در مورد یکسان‌سازی ارزش ریال مطرح شده است.

با مجموعه‌ای از این خواسته‌ها و ابهامات بود که در قانون بودجه سال ۱۳۸۰ دولت ملزم شد که برنامه‌ای فراگیر برای یکسان‌سازی ارزش ریال مطرح شده است.

با مجموعه‌ای از این خواسته‌ها و ابهامات بود که در قانون بودجه سال ۱۳۸۰ دولت ملزم شد که برنامه‌ای فراگیر برای یکسان‌سازی ارزش ریال ایران به پول‌های خارجی ارائه دهد که در اساس بند «ث» از تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۸۰، دولت مکلف شد که در نیمه نخست سال ۱۳۸۰ با انجام مطالعات و بررسی‌های کارشناسی، مقدمات قانونی و امکانات اداری و مالی لازم برای یکسان‌سازی نرخ ارز را فراهم و لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور را بر مبنای نرخ یکسان‌ارز به مجلس ارائه نماید به طوری که:

- باعث افزایش بدهی‌های دولت به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۱ و سال‌های بعد نشود.

- نرخ کالاهای اساسی و خدماتی که ارز آنها با نرخ دولتی تأمین شده است، افزایش نیابد.

- تعادل بودجه دولت از لحاظ درآمد و هزینه را حفظ نماید.

- سیاست‌هایی را اتخاذ نماید که موجبات تقویت تولید ملی و صادرات غیر نفتی را فراهم آورد.

فهرست موضوعاتی که شناخت و ضمیمه آنها برای مجموعه دولت و قانونگذاران کشور اهمیت داشت، در چهار بند جداگانه قید شد که مرکز پژوهش‌های مجلس هم خود را ملزم شمرد که هر چهار محور را به دقت ارزیابی کند. با این وظیفه، گروهی از محققان و مجریان اقتصادی کشور برای همکاری دعوت شدند تا هر یک از دیدگاهی جداگانه بتوانند موضوع یکسان‌سازی ارزش پول ملی را به پول‌های خارجی ارزیابی کنند.

ضمن سپاس از محققانی که به دعوت ما پاسخ مثبت دادند در این بخش، مجموعه آن‌ها تقدیم خوانندگان محترم شده است.

قرار خواهیم داد. در قسمت دوم، تأثیر این سیاست بر نرخ تورم بررسی می‌شود. در قسمت سوم، تغییرات نرخ ارز بازار آزاد را مورد مطالعه قرار خواهیم داد. وضعیت کسری بودجه دولت و صادرات غیرنفتی در قسمت‌های چهارم و پنجم بررسی می‌شود و در قسمت ششم، پیامدهای عدم اجرای این سیاست را بررسی خواهیم کرد تا بتوان تصویری از وضعیت اجرا و عدم اجرای این سیاست، به دست آورد. در قسمت هفتم نیز، خلاصه و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

نرخ تورم

برآورد متوسط نرخ تورم در سال ۱۳۸۱ مستلزم برآورد متوسط حجم نقدینگی در این سال است. بررسی وضعیت ساختار بودجه دولت از سال ۱۳۷۰ تاکنون نشان می‌دهد که جذب نقدینگی توسط شرکت‌های دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانک‌ها رو به افزایش بوده است. آمار نقدینگی (M₁) و بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت بین سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۷۱ در جدول شماره ۱ آمده است. ملاحظه می‌شود که از سال ۱۳۷۱ به بعد، نسبت بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی (وابسته به دولت) به نقدینگی، در حال افزایش است. این نسبت از ۵۰ درصد در سال ۱۳۷۱ شروع و به متوسط ۹۶ درصد در سال‌های ۱۳۷۷، ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ رسیده است.

لذا، این نسبت در سه سال گذشته، تقریباً باثبات بوده است و اگر این رقم، مبنای برآورد نقدینگی در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ قرار گیرد، دور از واقعیت نخواهد بود. یعنی اگر بنحواهم صعودی این نسبت را در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد برای سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، خیلی فراتر از یک نرود. به هر حال، متوسط این ضریب در سه سال گذشته را مبنای محاسبه قرار داده‌ایم و با در اختیار داشتن ارقام بودجه مصوب شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، حجم نقدینگی تقریبی در این دو سال را به دست آورده‌ایم که در جدول شماره ۲ گزارش شده است. ملاحظه می‌شود که حجم نقدینگی براساس بودجه شرکت‌های دولتی در سال ۱۳۸۰ (۲۵/۶ درصد افزایش) حتی کم‌تر از برآورد آن براساس متوسط نرخ رشد اعلام شده توسط بانک مرکزی در شش ماه اول سال ۱۳۸۰ است که افزایش ۳۱/۵ درصد نسبت به سال ۱۳۷۹ را نشان می‌دهد.

۱. نقدینگی (M₁) عبارت است از مجموع پول، اسکناس و مسکوک در دست اشخاص و سپرده‌های دیداری (و شبه پول سپرده‌های غیردیداری) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲. لازم به ذکر است که آمار رسمی حجم نقدینگی در سال ۱۳۸۰ هنوز منتشر نشده و لذا در این گزارش برآورد شده است.

جدول ۱- نقدینگی و بودجه شرکت‌های دولتی،
بانک‌ها و مؤسسات وابسته به دولت

(واحد به میلیارد ریال و درصد)

سال	بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات وابسته به دولت (G)	نقدینگی (M _p)	$\frac{(G)}{M_p}$
۱۳۷۱	۱۷۹۷۲/۱	۳۵۸۶۶	۰/۵
۱۳۷۲	۳۵۲۵۹/۵	۲۸۱۳۵	۰/۷۳
۱۳۷۳	۳۳۵۳۳/۲	۶۱۸۲۳/۹	۰/۷۲
۱۳۷۴	۶۳۵۲۴/۶	۸۵۰۷۲/۲	۰/۷۶
۱۳۷۵	۸۹۰۷۸/۶	۱۱۶۵۵۲/۵	۰/۷۶
۱۳۷۶	۱۱۸۶۴۵/۸	۱۳۳۲۸۶/۳	۰/۸۸
۱۳۷۷	۱۵۳۹۸۶/۴	۱۶۰۳۰۱/۵	۰/۹۶
۱۳۷۸	۱۸۳۰۱۳/۸	۱۹۲۶۸۹/۲	۰/۹۵
۱۳۷۹	۲۳۰۱۰۶/۲	۲۳۹۱۱۰/۷	۰/۹۶

مأخذ: گزارش‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و «مصوبات بودجه» سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

جدول ۲- برآورد نقدینگی سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱

(واحد به میلیارد ریال و درصد)

سال	نقدینگی (M _p) برآورد براساس افزایش نرخ شش ماه اول سال ۱۳۸۰ (علامه شده توسط بانک مرکزی)	نقدینگی (M _p) برآورد (بر مبنای ضریب ۰/۹۶)	بودجه شرکت‌های دولتی بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت
۱۳۸۰	۳۲۷۵۸۰/۶ (۳۱/۵)	۳۱۲۹۴۲/۲ (۲۵/۶)	۳۰۰۳۲۶/۲
۱۳۸۱	(۳۸/۶)%	۳۵۳۰۰۷/۹ (۳۵/۱)	۳۳۵۹۱۴/۸ (۲۵/۱)

ارقام داخل پرانتز درصد افزایش نسبت به سال قبل را نشان می‌دهد.
مأخذ: جدول ۱ و محاسبات محقق.

بنابراین، ما در برآورد خود، خوشبین تر از بانک مرکزی بوده ایم؛ براساس برآورد ضریب بودجه شرکت های دولتی، نقدینگی در سال ۱۳۸۱، ۴۵/۱ درصد افزایش خواهد داشت. البته اگر رقم برآورد شده را با برآورد ستون سوم مقایسه نماییم، این افزایش ۳۸/۶ درصد خواهد بود. لذا، در خوشبینانه ترین حالت می توان گفت که حجم نقدینگی در سال ۱۳۸۱، حدود ۳۸/۶ درصد افزایش خواهد یافت.

هر چند به نظر می رسد رقم ۴۵/۱ درصد واقع بینانه تر باشد، زیرا تجربه گذشته نشان می دهد که سیاست تک نرخی ارز با افزایش چشمگیر نقدینگی همراه خواهد بود.

بنابراین، به نظر می رسد در سال ۱۳۸۱ متناسب با افزایش بودجه شرکت های دولتی، بانک ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت، حجم نقدینگی نیز فزونی یابد. همان گونه که سال های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ تقریباً چنین وضعیتی را نشان می دهد.

اگر افزایش بودجه شرکت های دولتی، بانک ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت را در سال های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ با افزایش حجم نقدینگی این سال ها مقایسه نماییم، خواهیم

جدول ۳- مقایسه افزایش نقدینگی با افزایش بودجه شرکت های دولتی (واحد به درصد)

سال	افزایش در بودجه شرکت های دولتی	افزایش در نقدینگی
۱۳۷۹	(۳۷۲)	(۲۹۳)
۱۳۸۰	(۲۵)	(۲۵/۴)
۱۳۸۱	(۲۵/۱)	(۲۵/۱)

دید که برآورد جدول ۲ خیلی دور از واقعیت نیست. این مقایسه در جدول ۳ نشان داده شده است.

پس از برآورد حجم نقدینگی، سؤال این است که نرخ تورم چند درصد خواهد بود؟ برای محاسبه نرخ تورم از تئوری مقداری پول فریدمن استفاده خواهیم کرد. به طور کلی رابطه بین سطح قیمت و درآمد واقعی و سرعت گردش پول و حجم نقدینگی عبارتست از:

$$P.y = V.M$$

با در نظر گرفتن این که سرعت گردش نقدینگی (V) تقریباً با ثبات است و (حتی در سال های

۱. این ارقام با توجه به آمارهای نقدینگی و تولید ناخالص ملی گزارش شده در شمارهای اقتصادی بانک مرکزی محاسبه شده است.

۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ رشدی معادل ۱۱ درصد و ۴/۵ درصد داشته است و ما فرض گرفته ایم که رشد آن در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ ثابت باشد^۱ و از طرف دیگر، پیش بینی نرخ رشد درآمد ملی برای سال ۱۳۸۱ را نیز در اختیار داریم، می توان نرخ تورم شاخص قیمت ضمنی GDP را محاسبه نمود. بنابراین براساس:

$$(M_1) \text{ رشد} = (y) \text{ رشد} + (P) \text{ رشد}$$

اگر نرخ رشد ۶ درصد^۲ در سال ۱۳۸۱ تحقق یابد، نرخ تورم ۶ درصد کم تر از نرخ رشد نقدینگی در سال ۱۳۸۱ خواهد بود. بنابراین میانگین نرخ تورم سال آینده براساس شاخص قیمت ضمنی GDP حدود ۳۹ درصد خواهد بود و در خوشبینانه ترین حالت حدود ۳۲/۶ درصد^۳ پیش بینی می شود. البته این محاسبات منوط به این است که تمام درآمدهای ارزی پیش بینی شده در بودجه، کاملاً محقق شود و الا در صورت کاهش شدید قیمت نفت، تورم به مراتب بالاتر از این ارقام خواهد بود زیرا درصد زیادی از بودجه دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی محقق خواهد شد. به طور خلاصه اگر شاخص قیمت ضمنی تولید ناخالص ملی را مبنای تورم قلمداد نماییم، می توان پیش بینی نمود که نرخ تورم در انتهای سال ۱۳۸۱ حدود ۳۹ درصد تا ۴۰ درصد به شرط تحقق شرایط دیده شده در بودجه دولت، خواهد بود. پیش بینی قیمت نفت و وضعیت صادرات ایران حاکی از آن است که تحقق صادرات نفت به اندازه ۱۲/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۱ خوشبینانه است و احتمال عدم تحقق آن وجود دارد.^۵

نکته دیگر این که پیش بینی تورم ۴۰ درصد برای سال ۱۳۸۱ مبتنی بر شاخص قیمت ضمنی GDP است و نباید فراموش کرد که این شاخص با شاخص CPI می تواند فاصله بگیرد. این واقعیت در سال های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ - که شوک اول نفتی اتفاق افتاد - به وضوح دیده می شود. رشد شاخص CPI در سال های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ به ترتیب ۱۱/۴ و ۱۵/۶ درصد بوده است در حالی که رشد شاخص قیمت ضمنی GDP در این دو سال به ترتیب ۳۰ و ۵۹/۹ درصد بوده است. علت اصلی این اختلاف، تغییر در ترکیب تولید ناخالص ملی در موقع وفور درآمدهای نفتی است. در سال های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ نیز چنین واقعیتی کاملاً مشهود بود. در سال ۱۳۷۸ در حالی که شاخص CPI فقط ۲/۱ درصد افزایش داشت، شاخص

۱. اگر برای سرعت گردش پول، نرخ رشد مثبت در نظر بگیریم، نرخ تورم بیش از مقداری خواهد بود که در گزارش برآورد شده است و لذا فرض کرده ایم ثابت باشد تا نسبت به برآورد نرخ تورم خوشبینانه عمل نموده باشیم.

۲. بر مبنای سخنان ریاست محترم جمهور موقع تحویل سال ۱۳۸۱

۳. این رقم با توجه به رشد نقدینگی ۳۸/۶ درصد جدول ۲ محاسبه شده که مبتنی بر حجم نقدینگی شش ماه اول سال ۱۳۸۰ است.

۴. مأخذ: چشم انداز قیمت نفت خام، تولید و درآمد حاصل از صادرات نفت خام در سال ۱۳۸۱، شماره ۵، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

۵. آمارهای ارائه شده در این صفحه از «آمارهای اقتصادی» و گزارش های اقتصادی بانک مرکزی و نیز «آمارهای سری زمانی» سازمان مدیریت و برنامه ریزی اخذ شده و مبنای محاسبات محقق بوده است.

ضمنی GDP ۳۰٪ درصد افزایش نشان داد، یعنی ۵۰ درصد اختلاف بین نرخ های تورم دو شاخص. این اختلاف نشانگر تغییر چشمگیر در قیمت های نسبی کالا های غیر تجاری به ویژه ساختمان، به تجاری است. در سال ۱۳۷۹ نیز اختلاف در دو شاخص چشمگیر بود. شاخص CPI ۱۲٪ درصد را نشان داد ولی شاخص قیمت ضمنی GDP ۲۸٪ درصد یعنی اختلافی معادل ۱۲۸ درصد که بسیار چشمگیر است. به نظر می رسد این روند برای سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ ادامه یابد. بر اساس برآورد نقدینگی در سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ تغییر شاخص قیمت ضمنی GDP برای این دو سال به ترتیب معادل ۲۰ درصد و ۳۹ درصد خواهد بود. با توجه به متوسط افزایش شاخص CPI در سال ۱۳۸۰ که ۱۱٪ درصد است ملاحظه می شود اختلاف دو نرخ تورم در سال ۱۳۸۰ نیز به بیش از ۷۱ درصد رسیده است. پیش بینی می شود که در سال ۱۳۸۱ نیز دقیقاً چنین چیزی اتفاق بیافتد زیرا کالا های تجاری وارداتی به ویژه کالا های با دوام از طریق نرخ ارز ۷۷۰۰ ریال قیمت گذاری خواهد شد که نسبت به سال ۱۳۸۰، تغییر چندانی ندارد ولی کالا های غیر تجاری کاملاً تحت تأثیر افزایش نقدینگی است. جهت برآورد تغییر تقریبی در CPI برای سال ۱۳۸۱، ملاحظه می کنیم که در سال ۱۳۷۹، تولید خالص داخلی به قیمت جاری بیش از ۳۵ درصد افزایش دارد ولی هزینه های مصرفی بخش خصوصی فقط ۱۷٪ درصد افزایش داشته است. به احتمال زیاد این تفاوت در سال ۱۳۸۱ نیز تکرار خواهد شد. بنابراین اگر شاخص ضمنی GDP در سال ۱۳۸۱، ۴۰ درصد افزایش نشان دهد، شاخص CPI تقریباً حدود ۲۵-۲۰ درصد افزایش نشان خواهد داد. البته به نظر می رسد ۲۰ درصد خوشبینانه است و احتمالاً CPI بیش از ۲۰ درصد افزایش می یابد. بالاخص اگر تحقق درآمدهای ارزی با مشکل مواجه شود.^۱

نکته قابل توجه دیگر این که اگر قرار است اختلاف شدیدی بین CPI و شاخص قیمت ضمنی GDP وجود داشته باشد می توان استنتاج نمود که بخش غیر تجاری (به ویژه ساختمان) و خدمات افزایش بیشتری بیش از ۴۰ درصد خواهد داشت، زیرا شاخص قیمت ضمنی GDP میانگین وزنی همه کالا های مصرفی و واسطه ای و سرمایه ای اعم از تجاری و غیر تجاری است. اگر CPI افزایشی معادل ۲۰ درصد و شاخص قیمت ضمنی GDP افزایشی معادل ۴۰ درصد داشته باشد، باید برخی از کالا ها افزایشی به مراتب بیش از ۴۰ درصد داشته باشد تا میانگین وزنی قیمت آن ها و کالا های تجاری حدود ۴۰ درصد شود. بنابراین در ارائه تصویر نرخ تورم در سال آتی و فشار آن بر گروه های مختلف درآمدی باید ملاحظه نمود که کالا های متفاوت با نرخ های بسیار متفاوت تغییر قیمت خواهد داد. به نظر می رسد بالاترین نرخ تورم در سال ۱۳۸۱ مربوط به کالا های غیر تجاری به ویژه زمین

۱. پیش بینی بانک مرکزی از تورم CPI در سال ۱۳۸۱، بین ۱۹-۱۵ درصد است.

نرخ ارز بازار آزاد

حفظ نرخ ارز از قبل تعیین شده برای یک سال و قابل تبدیل بودن ریال به دلار در این نرخ، مستلزم این است که تقریباً به ازاء افزایش هر یک ریال در پایه پولی، معادل دلاری آن نیز براساس نرخ ارز تعیین شده، تزریق گردد. در غیر این صورت، تقاضا برای ارز از طریق نرخ ارز رسمی کشور برآورده نخواهد شد و بازار موازی ارز فعال می شود. با محاسباتی که در قسمت قبل داشتیم و حجم نقدینگی را برآورد نمودیم به سادگی می توان پایه پولی را نیز برآورد نمود. ضریب تکاثر پولی در سال های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ به ترتیب ۲/۵۹ و ۲/۶۸ و ۲/۹۵ بوده است. بنابراین، اگر ضریب ۳ را در نظر بگیریم و مبنای محاسبه پایه پولی در سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ قرار دهیم، پایه پولی در دو سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ به ترتیب معادل ۱۰۴۳۱۴ و ۱۵۱۳۳۶ میلیارد ریال خواهد بود و با در نظر گرفتن نرخ ارز واحد سال ۱۳۸۱ - که ۷۷۰۰ ریال است - می توان نقدینگی دلاری لازم که می باید برای حفظ نرخ ارز واحد رسمی و قابل تبدیل شدن ریال به دلار تزریق اقتصاد گردد، به دست آورد.^۱

با توجه به پایه پولی محاسبه شده (۱۵۱۳۳۶) و نرخ ارز اعلام شده (۷۷۰۰ ریال) ۱۹/۷ میلیارد دلار باید در سال ۱۳۸۱ تزریق گردد. با توجه به این که ۱۲/۸ میلیارد دلار درآمد نفت دولت است، باید ۶/۹ میلیارد دلار از طریق صادرات غیرنفتی و استفاده از ذخیره ارزی تأمین شود که البته، دور از دسترس می نماید. اگر ۲ میلیارد نیز از حساب ذخیره ارزی استفاده کنیم، صادرات غیرنفتی حدود ۴/۹ میلیارد دلار باید باشد. به فرض که این رقم تحقق یابد، تحقق ۱۲/۸ میلیارد دلار درآمد حاصل از صادرات نفت بنا بر گزارش یکی از صاحب نظران بازار بین المللی نفت به احتمال قوی امکان پذیر نخواهد بود زیرا با توجه به سهمیه ایران در اوپک و مصرف داخلی کشور، کسب درآمد ارزی ۱۲/۸ میلیارد دلار مستلزم استقرار قیمت نفت ایران در سطحی معادل ۱۹ دلار برای هر بشکه است که بسیار دور از انتظار صاحب نظران است.^۲ اگر ۲۰ درصد از درآمد ارزی - همان گونه که بسیاری از صاحب نظران پیش بینی - می کنند تحقق نیابد (تقریباً ۱۵ دلار برای هر بشکه در نظر بگیریم) در آن صورت با توجه به افزایش بودجه دولت و عدم توانایی در کاهش بودجه و پایه پولی، نرخ ارز بازار آزاد حتی در صورت تحقق درآمدهای صادرات غیرنفتی به ۸۸۳۰ ریال افزایش خواهد یافت. این عدد از تقسیم پایه پولی (۱۵۱۳۳۴) بر درآمدهای ارزی دولت با فرض عدم تحقق ۲۰ درصد از درآمدهای نفت، به دست می آید.

۱. مبنای محاسبات محقق جداول ۱ و ۲ این مقاله و نیز فرماگرهای اقتصادی بانک مرکزی بوده است.

۲. برای کسب اطلاعات بیش تر به گزارش چشم انداز قیمت نفت خام، تولید و درآمد حاصل از صادرات نفت خام در سال ۱۳۸۱ شماره ۵، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی مراجعه نمایید.

کسری بودجه و اندازه دولت

در جدول ۴ وضعیت کسری عملیاتی بودجه دولت و بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت بین سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۸۱ نشان داده شده است. با توجه به برآورد حجم نقدینگی و نرخ تورم و نیز نرخ رشد پیش‌بینی شده برای سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری برای این دو سال برآورد شده و به همراه سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۷۹ در جدول ۴ گزارش شده است. در ستون پنجم و ششم این جدول، به ترتیب نسبت بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت به تولید ناخالص داخلی و نسبت کسری عملیاتی دولت به تولید ناخالص داخلی نشان داده شده است.

در جدول ۴ نشان داده شده است که در طی سال‌های پس از جنگ، تغییر چندانی در ساختار بودجه دولت به وجود نیامده است و به رغم همه توجیهاتی که برای اجرای برنامه‌های تعدیل اقتصادی شد - که مهم‌ترین آن‌ها کاهش تصدیی گری دولت بر اقتصاد بوده است - تغییری در این روند مشاهده نمی‌شود. هر چند نسبت کسری عملیاتی بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی در برخی از سال‌ها کاهش نشان می‌دهد، ولی این کاهش، نشانه‌ای از تغییر در بلندمدت نیست. سهم کسری عملیاتی بودجه دولت در تولید ناخالص ناخا داخلی افزایش خواهد یافت و از ۴/۶ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۷ درصد در سال ۱۳۸۱ خواهد رسید. چنانچه درآمدهای ارزی دولت و سایر درآمدها در سال ۱۳۸۱ تحقق نیابد، احتمالاً نسبت کسری عملیاتی بودجه به تولید ناخالص داخلی افزایش خواهد یافت.

نکته مهم‌تری که از جدول ۴ استنتاج می‌شود، شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت در اقتصاد است. سهم آن‌ها در تولید ناخالص داخلی از متوسط ۳۴/۷ درصد در سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۷۱ به متوسط ۴۳/۲ درصد در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۷۷ رسیده که نشان می‌دهد رشدی معادل ۲۴/۵ درصد داشته است.^۱

به نظر می‌رسد دولت در کاهش اندازه خود و تصدیی گری اش - که در برنامه‌های اقتصادی پس از جنگ تصریح شده است - ناموفق بوده و به رغم بهبود نسبی وضعیت ارزی در سال‌های اخیر، نتوانسته است تمهیداتی در این زمینه بیاندیشد. سؤال مهمی که در این جا مطرح است، این که به دنبال اجرای سیاست تک‌نرخی ارز در سال ۱۳۷۷ و برنامه‌های تعدیل، هیچ‌گونه اصلاحی را در ساختار بودجه دولت مشاهده نمی‌کنیم. حال، انتظار می‌رود به دنبال اجرای سیاست تک‌نرخی ارز در سال ۱۳۸۱ نیز تغییری در روند نامطلوب گذشته مشاهده نکنیم.

۱. با توجه به درصدهای محاسبه شده برای سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، می‌توان اذعان نمود که برآورد نقدینگی، تورم و تولید ناخالص داخلی در این گزارش نسبتاً دقیق بوده زیرا تغییر چندانی نسبت به روند مورد انتظار به وجود نیاورده است.

بنابراین درست است که کسری بودجه دولت در نتیجه سیاست تک‌نرخ ارز، احتمالاً افزایش چندانی نسبت به روند دهه اخیر نخواهد داشت ولی این، نشانه اصلاح ساختاری در بودجه دولت نیست. افزایش اندازه دولت در اقتصاد بدون افزایش کارآمدی و کارایی آن، عواقب ناگواری را برای اقتصاد ملی به دنبال خواهد داشت.

صادرات غیرنفتی

یکی از دلایلی را که مسئولین کشورهای در حال توسعه و نیز جمهوری اسلامی ایران، برای اتخاذ سیاست تک‌نرخ ارز مطرح می‌نمایند، تغییر قیمت‌های نسبی به نفع بخش‌های تجاری به ویژه صادرات غیرنفتی است. اما به نظر می‌رسد سیاست سال ۱۳۸۱ - با توجه به آمارهای محاسبه شده در قسمت قبل در جهت عکس عمل کند. در سال ۱۳۸۰، نرخ ارز صادرات غیرنفتی حدود ۷۹۰ تومان بوده است در حالی که در سال آینده به شرط تحقق درآمد ارزی این نرخ در همین حدود قرار گرفته و شاید با افزایش چند درصدی روبه‌رو خواهد شد. ولی نرخ تورم شاخص قیمت ضمنی GDP بیش‌تر از ۳۹ درصد خواهد بود. بنابراین با در نظر گرفتن ثبات قیمت‌های خارجی (P^*) و افزایش قیمت داخلی (P) و افزایش نامحسوس نرخ ارز رسمی (I)، نرخ ارز واقعی ($\frac{P}{I}$) در سطحی بسیار بالاتر از نرخ ارز واقعی سال ۱۳۸۰ قرار خواهد گرفت و روند نامطلوب چهار سال گذشته - که به ضرر صادرات غیرنفتی بوده است - ادامه یابد و احتمالاً شدیدتر هم خواهد شد. بنابراین به نظر می‌رسد این سیاست، سیاست کاهش ارزش پول داخلی برای رشد صادرات غیرنفتی نیست. زیرا صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۸۰ هم با نرخ ارز ۷۹۰ تومان صورت گرفته است و سیاست تک‌نرخ ارز این نرخ را تغییر نمی‌دهد. اثر سیاست تک‌نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی بسیار ناچیز و احتمالاً منفی خواهد بود. این روند نامطلوب، ناشی از تأثیر شوک‌های نرخ مبادله بر قیمت‌های نسبی است که طی سه دهه اخیر در سال‌های ۱۳۵۳، ۱۳۵۸، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۹ بسیار شدید بوده است. بنابراین، اگر در سال ۱۳۷۲، تغییر نرخ ارز اثر دفعی مطلوبی بر صادرات غیرنفتی گذاشت، در سال ۱۳۸۱ این اثر دفعی تحقق نخواهد یافت و به احتمال قوی، اثر منفی نیز خواهد گذاشت زیرا افزایش شدید تورم سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرتجاری - که عمدتاً ساختمان و خدمات هستند - را رونق داده و به ضرر صادرات غیرنفتی تمام خواهد شد.

افزایش شدید سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان طی سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ و افت صادرات غیرنفتی بخش خصوصی شاهدهی بر این مدعا است و متأسفانه بهبود درآمدهای ارزی در دو سال گذشته و افزایش صادرات غیرنفتی دولتی، باعث شده است که آثار نامطلوب تغییر قیمت‌های نسبی بر بخش‌های تجاری دیده نشود.

جدول ۲- روند کسری عملیاتی دولت و بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی

(واحد به میلیارد ریال و درصد)

سال	بودجه شرکت‌های دولتی بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت (۱)	کسری عملیاتی (۲)	تولید ناخالص داخلی (۳)	(۱) / (۳)	(۲) / (۳)
۱۳۷۱	۱۷۱۷۴/۱	۳۰۳۸	۶۴۴۰۰/۸	۲۷/۱	۴/۷
۱۳۷۲	۳۵۲۵۹/۵	۸۲۱۳/۵	۹۳۵۱۸	۳۷/۷	۸/۸
۱۳۷۳	۴۴۵۳۴/۴	۱۲۲۹۶/۵	۱۲۹۳۵۰/۸	۳۴/۲	۹/۵
۱۳۷۴	۶۴۵۲۴/۶	۱۴۱۵۴/۸	۱۸۰۸۰۰/۱	۳۵/۷	۷/۸
۱۳۷۵	۸۹۰۷۸/۶	۱۸۰۲۰/۶	۲۳۵۷۵۷/۲	۳۷/۸	۷/۶
۱۳۷۶	۱۱۸۶۳۵/۸	۱۸۷۷۲/۵	۳۸۰۹۰۸/۲	۳۲/۲	۶/۷
۱۳۷۷	۱۵۳۹۸۶/۴	۲۸۲۸۵/۷	۳۱۶۶۴۴/۳	۴۸/۶	۸/۹
۱۳۷۸	۱۸۳۰۱۳/۸	۱۹۲۷۶/۷	۴۴۴۸۸۶/۶	۴۳/۱	۴/۵
۱۳۷۹	۲۳۰۱۰۶/۲	۳۸۱۰۳/۸	۵۷۹۲۷۴/۵	۴۱/۴	۶/۶
۱۳۸۰	۳۰۰۲۳۶/۴	۴۳۴۲۶/۴	۷۷۷۵۶۸*	۴۱/۳	۳/۶
۱۳۸۱	۴۳۵۸۳۲/۸	۷۰۹۱۱/۹	۱۰۱۸۵۹۵*	۴۲/۸	۷

مأخذ: گزارش ارزش بر لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و «مسئولیت بودجه» سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و گزارش‌های اقتصادی «بانک مرکزی»
 * برآورد براساس برآوردهای نقدینگی و رشد تولید ناخالص داخلی و تورم شاخص قیمت ضمنی GDP می‌باشد.

عدم اجرای سیاست تک نرخ ارز و ادامه روند فعلی

سؤال مهمی که در این جا مطرح هست، این که اگر نظام چند نرخ ارز به قوت خود باقی بماند و نرخ ارز ثابت ۱۷۲۵ ریال برای درآمدهای نفتی و نرخ صادرات غیرنفتی مبتنی بر بازار بورس و نرخ بازار آزاد مانند گذشته تحت تأثیر عوامل خود باشد، چه تصویری از کلان اقتصادی خواهیم داشت؟ نگاهی به ارقام بودجه دولت، نقدینگی، پایه پولی و نرخ تورم در چند سال گذشته می‌تواند چشم انداز سال ۱۳۸۱ را روشن نماید.
 نکته مهم این است که متغیرهای اسمی اقتصاد، به رغم حفظ نظام چند نرخ ارز، روند صعودی خود را ادامه داده‌اند. نقدینگی در سال‌های ۱۳۷۷، ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ به ترتیب ۱۹/۴ درصد، ۲۰/۱ درصد و ۲۹/۳ درصد افزایش نشان می‌دهد و در شش ماه اول سال ۱۳۸۰ نیز بالغ بر ۳۰ درصد افزایش داشته است.

متناسب با افزایش نقدینگی، بودجه کل دولت به ویژه شرکت‌های دولتی نیز افزایش داشته است. پایه پولی در این سال‌ها به ترتیب ۱۸ درصد، ۱۵/۹ درصد و ۱۷/۵ درصد افزایش داشته و در شش ماه اول سال ۱۳۸۰ نیز افزایشی بالغ بر ۱۷/۴ درصد داشته است. به

افزایش داشته و در شش ماه اول سال ۱۳۸۰ نیز افزایشی بالغ بر ۱۷/۴ درصد داشته است. به تناسب افزایش نقدینگی، سطح قیمت‌ها نیز افزایش داشته است. اما به جهت بهبود نسبی در متابع ارزی دولت، نرخ ارز بازار آزاد در سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ ثابت مانده است. در خوشبینانه‌ترین وضعیت - که قیمت نفت همچنان در سال‌های آتی بالا باشد - نیز نمی‌توان نرخ ارز ۱۷۲۵ ریال را برای مدت طولانی ثابت نگه داشت. برای ثبات نرخ ارز باید پایه پولی متناسب با تزریق هر دلار، افزایش یابد. در غیر این صورت، محدودیت جیره‌بندی ارز بیش‌تر خواهد شد. مضافاً این‌که وقتی نرخ ارز رسمی از نرخ ارز بازار آزاد فاصله زیاد پیدا می‌کند، فعالیت‌های رانت‌جویی افزایش می‌یابد و شفافیت بودجه دولت نیز مخدوش می‌شود.

بنابراین حتی اگر سیاست تک‌نرخی ارز به اجرا در نیاید، دلیل بر ثبات حفظ نظام موجود در سال‌های آتی نیست. مضافاً این‌که متغیرهای اسمی اقتصاد باید هماهنگ حرکت کنند. تثبیت نرخ ارز، لوازمی دارد و اگر این لوازم مهیا نباشد، بحران ارزی به وقوع خواهد پیوست. نکته دیگر این‌که تجربه کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که هرچه تعدیل نرخ ارز متناسب با شرایط بنیادین اقتصادی، به تاخیر بیافتد، هزینه تعدیل نیز افزایش خواهد یافت.^۱

رها نمودن نرخ ۱۷۲۵ ریال در سال ۱۳۸۱ به مراتب آسان‌تر از رها نمودن آن در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳... است. البته لازم است که اصلاح نظام ارزی همراه اصلاح نظام مالی و ساختار بودجه دولت باشد تا آثار تورمی آن به حداقل برسد ولی عدم اصلاح مالی و ساختار بودجه دولت و حفظ نرخ ارز ثابت برای مدت طولانی در نهایت به صورت بحران ارزی ظاهر خواهد شد. اگر نرخ ارز ۱۷۲۵ ریال در دوره اخیر (۱۳۷۴-۱۳۸۰) متناسب با افزایش پایه پولی و درآمدهای ارز تعدیل می‌شد، تعدیل آن در سال ۱۳۸۱، هزینه کمتری را به دنبال می‌داشت.

نکته جالب‌تر این‌که افزایش بودجه کل دولت در سال ۱۳۸۱ - که عمدتاً در افزایش بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت منعکس شده است - تا حدودی به علت تغییر نرخ ارز رسمی از ۱۷۲۵ به ۷۷۰۰ ریال است. با ملاحظه تغییر نرخ ارز رسمی و بار مالی آن برای دولت و حتی افزایش تورمی بودجه (روند آن) به نظر می‌رسد بودجه دولت فراتر از تأثیر این دو عامل افزایش یافته است. یکی از نکات مهم بودجه سال ۱۳۸۱ این است که چرا بودجه کل دولت باید به اندازه ۴۷ درصد افزایش یابد در حالی که بار

۱. جهت مطالعه بیش‌تر به منبع ذیل مراجعه نمایید:

Edwards, S. and Peter J. Montiel, Devaluation Crisis and the Macroeconomic Consequences of Postponed Adjustment in Developing Countries. International Monetary Fund (IMF), Staff Papers, 36, 1989, pp.875-904.

اثر رفاهی این افزایش، جای تردید دارد. بنابراین به نظر می‌رسد اصلاح ساختار مالی دولت برای حفظ نظام ارزی به معنی حفظ نرخ ارز برای مدت چند سال نیست، بلکه نرخ ارز ثابت به تناسب متغیرهای دیگر اقتصادی تعدیل می‌یابد و الا، آثار منفی در جیره‌بندی‌های شدید ارزی، رانت‌جویی و عدم کارایی تولید ظاهر خواهد گشت.

جمع‌بندی

تورم شدید، مهم‌ترین پیامد منفی «اجرای سیاست تک‌نرخی ارز» است و در غالب کشورهای در حال توسعه نیز این پیامد وجود داشته است. این پیامد به حدی مهم است که اصل اصلاح نظام ارزی را مخدوش خواهد ساخت. تجربه کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که اگر دولت، اقدام جدی بر اصلاح ساختار مالی و بودجه شرکت‌های دولتی نداشته باشد، اجرای سیاست تک‌نرخی ارز در فاصله بسیار کوتاهی با شکست مواجه می‌شود و یا لااقل دو مرتبه با نظام چند نرخ ارز و نظام جیره‌بندی جایگزین خواهد شد، مگر این که نرخ ارز را همانند قیمت کالاهای دیگر که متناسب با شرایط عرضه و تقاضای بازار تغییر می‌کند، تعدیل نمود.

بنابراین، یکی از نکات مهم این است که پس از اجرای سیاست تک‌نرخی ارز، سیاست ارزی برای سال‌های آتی چیست؟

نظام ثابت، نظام شناور مدیریت شده، نظام خزننده ثابت یا نظام دیگر؟

لذا، تحلیل دیگری باید ارائه نمود که مزیت‌ها و معایب هر نظام چیست و کدام یک متناسب با شرایط فعلی اقتصاد ایران است، شرایطی که از یک طرف، متأثر از نوسانات قیمت نفت است و با توجه به ساختار بودجه دولت، افزایش هر ساله پایه پولی را می‌طلبد و از طرف دیگر، با تنش‌های سیاسی منطقه رو به رو است. بنابراین باید از دو حیث اقتصادی و اقتصاد سیاسی، نظام ارزی مناسب را انتخاب نمود.

با توجه به آمارهای نقدینگی و نرخ تورم، به نظر می‌رسد سیاست تک‌نرخی ارز هیچ‌گونه تأثیر مثبتی بر صادرات غیرنفتی بخش خصوصی نداشته باشد و احتمالاً آن را کاهش خواهد داد. زیرا روند نرخ ارز واقعی به ضرر صادرات غیرنفتی خواهد بود و نقدینگی تزریق شده، عمدتاً به سمت فعالیت‌های غیرتجاری سوق خواهد یافت ولی از بسیاری فعالیت‌های رانت‌جویانه جلوگیری خواهد شد. مضافاً این که اجرای این سیاست تا حدی الزام ساختار اقتصاد است و نه سیاست کاهش ارزش پول در جهت رونق صادرات غیرنفتی.

با توجه به آمارهای محاسبه شده، به نظر می‌رسد اگر دولت به طرقی، بودجه کل را کاهش دهد، این سیاست موفق‌تر خواهد بود. اگر بخواهیم براساس تجربه دیگران اظهار

نظر نماییم، تورم شدید ناشی از این سیاست کافی است که ما را متقاعد سازد که سیاست تک نرخ ارز با شرایط فعلی ساختار بودجه، عملاً تأثیری در قیمت های نسبی به وجود نخواهد آورد. تغییری که به استناد همه اقتصاددانان، اگر بر اثر اجرای سیاست ارزی به وجود نیاید، باید این سیاست که به بهانه افزایش کارایی و تولید اتخاذ می شود - رها کرد و قبل از اصلاح ارزی به اصلاح مالی دولت پرداخت.

مهم ترین نکته مشترکی که از تجربه کشورهای چون غنا، نیجریه، سیرالئون، کشورهای آسیای جنوب شرقی، شوروی سابق، بنگلادش، اوگاندا و حتی خود ایران (در سال ۱۳۷۲) استنتاج می شود این است که اصلاح نظام ارزی، باید جزئی از برنامه اصلاح اقتصادی باشد که اصلاح نظام مالی نیز، جزء لاینفک آن است.

منابع

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، چشم انداز قیمت نفت خام، تولید درآمد حاصل از صادرات نفت خام در سال ۱۳۸۱، شماره ۵، ۱۳۸۰.

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، «ارز در لایحه بودجه سال ۱۳۸۱» شماره ۱۳۸۰

Edwards, S. and Peter J. Montiel, "Deraluahon Crises and the Macreconmic Consequences of Postponed Adjustment in Developing Countries", Internahonal Monetary Fund, IMF staff Papers, 36.1989. pp.875-904.